راهبرد اسرائیل
در جنگ ایران و عراق



بسم الله الرحمن الرحیم

راهبرد اسرائیل در جنگ ایران و عراق

نویسنده:

محمد حسینی مقدم

ناشر چاپی:

پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

راهبرد اسرائیل در جنگ ایران و عراق

مشخصات کتاب

عنوان:راهبرد اسرائیل در جنگ ایران و عراق

نوع مقاله:عمومی

نویسنده:محمد حسینی مقدم

ناشر:پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس

موضوع:جنگ ایران و عراق

مقدمه

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی.

در آخرین دهه‌های قرن گذشته، در خاورمیانه، یکی از بحرانی‌ترین مناطق دنیا، وقوع دو رویداد مهم، یعنی پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی را به ترتیب در سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ شاهد بودیم. جنگ هشت ساله افزون بر درگیری دو قدرت عمده منطقه، یعنی ایران و عراق، بسیاری از کشورهای منطقه و خارج از منطقه و حتی قدرت‌های عمده جهانی، مانند امریکا و شوروی را درگیر کرد.

از آن جا که ماهیت جنگ با ماهیت انقلاب گره خورده است، بررسی نقش و تأثیر آن (انقلاب) بر منافع و سیاست قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های منطقه‌ای در قبال ایران ضرورت دارد. برای نمونه، شاید بتوان گفت تا پیش از انقلاب ایران، جنبش‌های بنیاد گرایانه اسلامی و اهمیت آنها در زمره سیاست‌های سفلی [۱] محسوب می‌شد تا سیاست‌های والا، [۲]، اما بعد از انقلاب ایران، تغییر این امر را شاهدیم. بدین معنا که نهضت‌ها و جنبش‌های اسلامی از سطح سفلی خارج می‌شوند و در سطح والا، قرار می‌گیرند. به تعبیر پست مدرن، این نهضت‌ها از حاشیه نشینی بستر [۳] جدا شده و به خرده گفتمان قوی و متنی دگر در درون این بستر تبدیل می‌شوند.

چنین تحولاتی تأثیرات ژرفی را در استراتژی‌های قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های منطقه خلیج فارس از خود بر جا گذاشت؛ تأثیراتی که فهمشان مستلزم درک موضعگیری‌های آنها در قبال نظام جمهوری اسلامی ایران است. جنگ ایران و عراق، که در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخی جمهوری اسلامی ایران، یعنی دوره استقرار حکومت اسلامی در این کشور [۴] بر پا شد، تنها جولانگاهی است که می‌توان به وضوح موضعگیری‌های آشکار و پنهان قدرت‌های مزبور را مشاهده کرد.

تمرکز این تحقیق بر رژیم اسرائیل و موضعگیری‌های مستقیم و غیر مستقیم آن در برابر جنگ است. از این رو، پرسش اصلی تحقیق حاضر این است که موضع رژیم اسرائیل در برابر جنگ ایران و عراق چه بود؟

فرضیه اصلی تحقیق این است که اسرائیل خواستار جنگ فرسایشی برای تضعیف قوای هر دو کشور بود.

برای اثبات فرضیه مزبور لازم است که به پرسش‌های فرعی این تحقیق پاسخ داده شود:

۱) چرا اسرائیل به دنبال تضعیف و تحلیل بردن قوای جمهوری اسلامی ایران بود؟

۲) چرا اسرائیل خواستار تضعیف عراق بود؟

۳) عملکرد اسرائیل در قبال این دو کشور برای رسیدن به

[صفحه ۵۱]

این هدف (تحلیل بردن قوای هر دو کشور) چگونه بود؟ آیا برای هر دو از یک استراتژی بهره برد؟

اهداف اسرائیل از تضعیف ایران

تغییر سیاست‌های ایران در قبال امریکا و اسرائیل پس از انقلاب اسلامی

پس از ترکیه، رژیم شاه در سال ۱۳۲۹ هجری شمسی اسرائیل را به صورت دو فاکتو به رسمیت شناخت. این سیاست در چارچوب دکترین معروف به دکترین حاشیه‌ای، که به مفهوم ایجاد منطقه ناامن در پشت سر اعراب برای کاهش فشار بر رژیم صهیونیستی بود، اتخاذ شد. در مقابل، اسرائیل نیز، اخبار و اطلاعات مخالفان رژیم ایران را که در لبنان، سوریه و مصر به سر می‌بردند، در اختیار سازمان اطلاعات و امنیت ایران قرار می‌داد. [۵] .

در ماه مه سال ۱۹۷۲ (۱۳۵۰) ، گلدامایر، نخست‌وزیر اسرائیل، به دعوت شاه به تهران سفر کرد. گفته شد که در این دیدار، شاه ایده توافق صلح میان مصر و اسرائیل را مطرح کرد و کوشید تا میان گلدامایر و انورسادات میانجیگری کند. در واقع، شناخت شاه از این که یهودیان امریکایی می‌توانند به تحقق اهداف وی در کنگره امریکا کمک کنند، یکی از دلایل تمایلش برای رسیدن به توافق با اسرائیل بود. وی به اسرائیل به منزله قدرت نامحدودی در صحنه سیاست‌های داخلی امریکا می‌نگریست و از آنجا که نزد افکار عمومی امریکا محبوب نبود، می‌کوشید از طریق لابی مشهور اسرائیل در واشنگتن به نتایج مطلوب خود دست یابد. در این دوره، همکاری میان ایران و اسرائیل فروش تسلیحات، آموزش افسران ایران در جنگ زمینی، جاسوسی و جنگ هوایی را شامل می‌شد. همچنین، روابط تجاری دو کشور نیز طی این دوره گسترش یافت، به طوری که در سال ۱۹۷۳ (۱۳۵۱) ، صادرات اسرائیل به ایران به ۳۳ میلیون دلار، در سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۲) ، ۶۳ میلیون دلار، و در سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۵) ، به ۱۹۵ میلیون دلار و تا سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۶) به ۲۲۵ میلیون دلار یعنی ۷ درصد کل صادرات اسرائیل رسید. [۶] البته، باید یادآور شد که صادرات در این سال، تجهیزات نظامی را نیز در بر می‌گرفت. با توجه به چنین آمار و اطلاعاتی است که اهمیت استراتژیک ایران در منطقه خلیج فارس برای اسرائیل، به ویژه در مقابل جبهه اعراب مشخص می‌شود.

مأمون کیوان در کتاب خود با نام یهودیان ایران، زیان‌های سیاسی و اقتصادی اسرائیل ناشی از انقلاب اسلامی ایران را چنین بر می‌شمرد:

۱) ایران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی منبع نفتی مطمئنی برای اسرائیل بود؛

۲) ایران، متحد اسرائیل در برابر نفوذ شوروی بود؛ [۷] .

۳) ایران از کشورهای بسیار نزدیک به اسرائیل بود و شرکت‌های اسرائیلی از این راه سود سرشاری می‌بردند؛

۴) با وقوع انقلاب در ایران اسرائیل یک خریدار مهم تولیدات کشاورزی و کالاهای صنعتی خود را از دست داد؛ و

۵) پیروزی انقلاب اسلامی، در بعد استراتژیک سیاسی، باعث شد تا متحد قدرتمند اسرائیل در مقابل اعراب از دست برود؛ بنابراین، می‌بینیم که وقوع انقلاب اسلامی در ایران عملا اصل اسرائیلی حفظ وضع موجود را با چالش رو به رو کرد؛ موضوعی که عملا با معادلات مد نظر اسرائیل برای منطقه خاورمیانه منافات داشت؛ [۸] بنابراین، باعث شد که این رژیم به سرعت در مقابل تهدید مزبور موضع بگیرد.

ماهیت ضد اسرائیلی انقلاب اسلامی ایران

دلیل دوم موضعگیری اسرائیل علیه ایران طی جنگ تحمیلی، در ماهیت و عملکرد نظام جمهوری اسلامی و دارای ریشه‌های عملی و نظری می‌باشد.

امام خمینی (ره) در مقام رهبر انقلاب اسلامی ایران

[صفحه ۵۲]

طرح تشکیل دولت اسرائیل و شناسایی این کشور را برای مسلمانان یک فاجعه و برای دولت‌های اسلامی یک انتحار و مخالفت با آن را فرضیه بزرگ اسلامی بر شمردند. [۲۵] ایشان در جای دیگری از سخنان خود، خطاب به سران کشورهای عرب فرمودند: «این جرثومه فساد را در قلب کشورهای اسلامی گماشته‌اند، تنها برای سرکوبی ملت عرب نیست، بلکه خطر و ضرر آن متوجه همه خاورمیانه است؛ بنابراین، دولت‌های کشورهای نفت‌خیز باید از نفت و دیگر امکاناتی که در اختیار دارند، به منزله حربه‌ای علیه این رژیم استفاده کنند». [۱۸] ایشان ضمن تأکید بر قطع رابطه با رژیم صهیونیستی و اعلام حالت جنگ بین مسلمانان و این رژیم، هر گونه رابطه سیاسی، تجاری و نظامی را با این کشور حرام اعلام کردند، چرا که از نظر ایشان، این رژیم نامشروع، غاصب و دشمن تمامی مسلمانان جهان بود. [۱۹] این موضع ضد اسرائیلی، نه تنها در محتوای کلام امام آشکار بود، بلکه به طور رسمی، چه از طریق امکانات داخلی، مانند نماز جمعه، صدا و سیما، به ویژه طرح ابتکاری امام خمینی (ره)، یعنی اعلام جمعه آخر ماه رمضان به منزله روز جهانی قدس و چه از طریق سازمان‌های بین‌المللی، مانند سازمان ملل، شورای امنیت و دیگر ارگان‌های بین‌المللی اعلام و پیگیری می‌شد و بدین ترتیب، از حقوق مردم مظلوم فلسطین دفاع می‌شد.

با بررسی اندیشه‌های امام خمینی (ره) می‌توان گفت مبانی دیپلماسی ایران بر این اصول مبتنی است:

۱) قاعده نفی سبیل: انسداد راه نفوذ و سلطه کفار بر مسلمانان؛

۲) اصل دعوت: شناساندن پیام معنوی، فرهنگی و سیاسی انقلاب اسلامی به جهانیان؛

۳) تولی و تبری: تولی به معنای دوستی با کشورهای برادر و دوست، و تبری به معنای موضعگیری انکاری آحاد مسلمانان در مقابل نظام‌های کافر و مشرک؛

۴) اصل تألیف قلوب: پشتیبانی از مبارزان مسلمان برای افزایش توان پایداری و مقاومت آنها در برابر غاصبان و مداخله گران و حمایت از نهضت‌های آزادی بخش و آزادی خواه و مستضعف. [۲۰] که مجموعه مبانی و اصول مزبور، در متن قانون اساسی از جمله، اصل سوم [۲۱] و یازدهم [۲۲] انعکاس یافته است. [۲۳] .

از مجموعه این مطالب می‌توان نتیجه گرفت که افکار و عقاید امام خمینی (ره) و اصول دیپلماسی اسلامی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقاومت و مقابله با اسرائیل را در بعد نظری تئوریزه کرده است. از سوی دیگر، حمایت‌های مالی و معنوی از مبارزان و چریک‌های فلسطینی و لبنانی گویای بعد عملی مقابله با ظلم و بی‌دادگری اسرائیل است، به طوری که برخی از اعضای جنبش حزب‌الله لبنان پیوند این جنبش با جمهوری اسلامی ایران را عمیق، استراتژیک و ناگسستنی می‌دانند و معتقدند که ماهیت این پیوند کاملا ایدئولوژیک است و بر مبنای ارزش‌ها و اعتقادات اسلامی و شیعی استوار می‌باشد. [۲۴] .

هم چنین، می‌توان به نقش جنبش‌های جهاد اسلامی و حماس، که از انقلاب اسلامی ایران الهام گرفته و نقش بسزایی را در کند کردن روند صلح و تهدید امنیت ملی و منافع رژیم صهیونیستی ایفا کرده‌اند، اشاره نمود. در این راستا، انتفاضه نمونه‌ای از اقدامات مهم این گروه‌ها محسوب می‌شود. [۲۵] .

پیروزی انقلاب اسلامی، ایران را به کانون اصول گرایی اسلامی در سطح جهان اسلام، به ویژه در منطقه حساس خاورمیانه تبدیل و

سبک نوینی از مبارزه با اشغالگران صهیونیست را ارائه کرد که بر اسلام گرایی و بازگشت به ارزش‌های ناب اسلامی مبتنی بود. شور و حال برخاسته از این انقلاب و آرمان‌های آن در میان گروه‌های اسلام گرای منطقه به حدی بود که موشه دایان، وزیر خارجه اسرائیل، در واکنش به این پدیده گفت: «زلزله‌ای در منطقه رخ داده است و من بگین را نصیحت کردم که مسئله‌ای مهم‌تر از کمپ دیوید اتفاق افتاده که باید به آن بپردازیم». کیسینجر نیز در این زمینه اظهار کرد:

«خاورمیانه با چهار خطر رو به رو شد: اولی رادیکالیزیم شیعه، دوم بنیادگرایی اسلامی، سوم انقلاب اسلامی ایران و

[صفحه ۵۳]

چهارم شوروی».

وی در جایی دیگری یادآور شد:

«خطر مستقیم انقلاب ایران، خطر دراز مدت اتحاد جماهیر شوروی را تحت تأثیر خود قرار داده است. ایران همواره کابوس‌های اعراب را برمی‌انگیزد». [۱۸] .

همانطور که گفته شد، وقوع انقلاب ایران و آرمان‌ها و ارزش‌های آن، تشدید نهضت‌های بنیادگرای اسلامی در منطقه، موضعگیری‌های صریح رهبر انقلاب و دیگر مقامات ایرانی، مبانی دیپلماسی اسلامی و اصول مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همگی وقوع تحولاتی را در منطقه موجب شدند که اصول راهبردی اسرائیل را از نظر تئوریک و عملی به چالش می‌کشاند.

راهبردی که اسرائیل برای دهه ۸۰ در نظر گرفته بود، طبق فرمول جدید ناشی از تسلیم رژیم مصر، در سایه اختلال فعلی موازنه قوای منطقه به نفع موجودیت صهیونیستی، حفظ وضع موجود در منطقه، واداشتن اعراب به تسلیم در برابر این وضع و بازداشتن آنها از هر گونه تلاش برای تغییر آن با توسل به جنگ شکل گرفته بود. در این استراتژی خطوط قرمزی در نظر گرفته شد که فراتر رفتن از آنها بهانه‌ای برای آغاز تجاوز جدید از جانب اسرائیل در پوشش جنگ بازدارنده محسوب می‌شد. آریل شارون طی یک سخنرانی در اواخر سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) ، درباره امنیت اسرائیل در دهه ۸۰ خطوط قرمز را چنین برشمرد:

«۱) حفظ وضع موجود در کشورهای عربی پیرامون موجودیت صهیونیستی؛

۲) جلوگیری از فعالیت و مقاومت فلسطینیان در لبنان؛

۳) ممانعت از بر هم خوردن وضع موجود در جنوب لبنان؛

۴) جلوگیری از زیر پا گذاشته شدن سازش‌های امنیتی مشخص شده در سینا و جولان؛

۵) ادامه فعالیت علیه تهدید امنیت ملی اسرائیل؛ و

۶) بازداشتن کشورهای رقیب از دریافت سلاح اتمی».

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، اصول چهارگانه نخست عملا تهدید شدند و به نوعی، رویای امنیتی اسرائیل به کابوس تبدیل شد. [۱۹] از این رو، این کشور در صدد برآمد تا چه به طور مستقیم یا غیر مستقیم خطر انقلاب اسلامی ایران را که از یک سو، وضع موجود در منطقه را که به نفع این رژیم شکل گرفته بود و از سوی دیگر، رژیم امنیتی درون مرزی و برون مرزی اسرائیل را به طور جدی تهدید کرده بود، مهار کند.

نشریه نیوزویک در مقاله‌ای با نام چه اتفاقاتی روی خواهد داد اگر یک طرف حقیقتا در جنگ (ایران و عراق) پیروز شود؟ از قول کارشناسان مسائل خاورمیانه در اسرائیل، می‌گوید: «پیروزی ایران بدترین جنبه این سناریو خواهد بود، به اعتقاد آنها، ایران در

مقایسه با عراق دشمن خطرناک‌تری برای اسرائیل است. آنها استدلال می‌کنند که اگر ایران پیروز شود، به سرعت تنش‌هایی بین تهران و دنیای عرب بروز خواهد کرد و در صورتی که فریاد انقلاب اسلامی در کشورهای عرب طرفدار غرب، مانند عربستان سعودی و مصر اوج بگیرد، این بحران عمیق‌تر خواهد شد. اسرائیلی‌ها حدس می‌زنند کشورهای عربی به علت تهدید از سوی ایران، برای دریافت کمک نظامی، به امریکا روی خواهند آورد و واشنگتن مشکل بتواند از کمک به آنها خودداری کند؛ موضوعی که نتیجه آن تقویت جبهه اعراب و

[صفحه ۵۴]

دخالت مستقیم امریکا در خاورمیانه خواهد بود». [۲۰] بدین ترتیب، اسرائیل سازش با عراق را عملی‌تر می‌دانست. از سوی دیگر، هم زمان با این نتیجه‌گیری‌ها، عراق نیز انعطاف‌پذیری‌هایی را از خود نشان داد در این زمینه، چند تماس آکادمیک، که رسما با آنها موافقت شده بود، بین عراقی‌ها و اسرائیلی‌ها صورت گرفت و سفیر عراق در واشنگتن بسیار کوشید تا نظر رهبران کلیمی طرفدار اسراییل در امریکا را جلب کند. آمانزیابادام، کارشناس تاریخ عراق در دانشگاه حیفا، می‌گوید: «این گونه برخوردها حاکی از انعطاف‌پذیری عراق است که شما نمی‌توانید آن را در ایران مشاهده کنید، حتی رژیم به اصطلاح مصلحت‌گرایی که بعد از [امام] خمینی به روی کار خواهد آمد، سعی خواهد کرد انقلاب اسلامی را به منطقه خلیج (فارس) صادر کرده، وجود اسرائیل را نادیده گرفته و منافع امریکا را به خطر اندازد». [۲۱] .

هم چنین، نشریه ایتالیایی زبان پانوراما در مطلبی با نام جنگ خلیج (فارس): حتی شامیر هم عراق را انتخاب می‌کند از قول مرد خای زیپوری، معاون وزیر دفاع وقت اسرائیل، می‌نویسد:

«اسرائیل به پیروی از ایالات متحده امریکا به سوی عراق کشیده می‌شود. دولت اسرائیل اکنون متقاعد شده است که اگر قرار است در جنگ خلیج (فارس) یک طرف برنده بشود، چه بهتر که آن کشور، عراق باشد، یعنی دشمن سر سخت سوریه، که امروز نیرومندترین دشمن اسرائیل به شمار می‌آید». [۲۲] .

از این پس، در طول جنگ ایران و عراق اقدامات مستقیم و غیر مستقیم اسرائیل را شاهدیم که شاید بتوان همگی آنها را نشان دهنده جانبداری از عراق و تضعیف ایران و طولانی کردن جنگ دانست. لغو تحریم تسلیحاتی عراق، حذف نام این کشور از فهرست کشورهای تروریست از جمله حمایت‌های غیر مستقیم [۲۳] اسرائیل از عراق بود که از سوی امریکا انجام گرفت. سکوت رسانه‌های جمعی و سازمان‌های طرفدار حقوق بشر در مقابل اقدامات جنایتکارانه عراق از جمله بمباران شیمیایی حلبچه و حمله به مناطق مسکونی، [۲۴] چراغ سبزی برای بغداد به منظور تداوم این اقدامات بود. از سوی دیگر، تهاجم ارتش اسرائیل به جنوب لبنان، که با فتح خرمشهر از سوی نیروهای ایرانی مقارن بود، باعث شد تا صدام حسین از این فرصت بیشترین استفاده را بکند و پیروزی‌های نظامی ایران را تحت‌الشعاع مبارزه طلبی با اسرائیل قرار دهد. [۲۵] .

اهداف اسرائیل از تضعیف عراق

از سال ۱۹۴۸، یعنی از زمان جنگ اعراب و اسرائیل، تل آویو و بغداد در حالت جنگ به سر می‌برند و عراق برخلاف دیگر کشورهای عرب درگیر در آن جنگ، از امضای قرارداد متارکه خودداری کرده بود. به اعتقاد سیاستمداران اسرائیلی، که رهبری آنها را مناخیم بگین، بر عهده داشت، برنامه هسته‌ای جاری از سوی صدام حسین با تولید بمب اتمی ارتباط دارد و چنین سلاحی به رغم جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، اساسا علیه اسرائیل به کار گرفته خواهد شد. [۲۶] در عین حال، رسانه‌ها و

دستگاه‌های خبری منطقه خاورمیانه مدعی بودند که اسرائیل این جنگ را عاملی برای تجزیه توان ایران و عراق می‌داند. آنها برای اثبات این ادعا استدلال می‌کردند که وضعیت ایده‌آل برای منافع اسرائیل در عراق و ایران حالت نه جنگ و نه صلح است؛ زیرا، پیروزی عراق مرکزیت آن را به خلیج [فارس] تقویت خواهد کرد و احتمالا، به یکپارچگی سواحل خلیج [فارس] زیر پرچم عراق در طرح منطقه‌ای مشخص یا عربی منجر خواهد شد، در مورد ایران نیز، پیروزی بر عراق افزون بر نشان دادن تجربه نظامی و شایستگی رزمی نیروهای ارتش این کشور، روحیه آنها را نیز افزایش خواهد داد؛ موضوعی که برای امنیت اسرائیل خطرناک است. [۲۷].

تضعیف ایران، اولویت نخست اسرائیل

از جمله کارهایی که اسرائیل برای ضربه زدن به وجهه ایران انجام داد، طرح دروغین فروش سلاح از جانب این رژیم به ایران بود که مدام از سوی رهبران عراق مطرح می‌شد و دستگاه‌های خبری، که امروز به منزله یکی از مظاهر قدرت

[صفحه ۵۵]

نرم از آنها یاد می‌شود، به این موضوع دامن می‌زدند. در این زمینه، طی هماهنگی‌های به عمل آمده میان مقامات اسرائیل و امریکا شایعه فروش سلاح به ایران توسط رژیم صهیونیستی در محافل سیاسی و خبری منتشر می‌شد و مقامات اسرائیل چنین عنوان می‌کردند که مجوز فروش سلاح به ایران از سوی امریکا صادر شده است. [۲۸].

هم چنین، همکاری با رژیم صهیونیستی در انهدام پایگاه هسته‌ای عراق در سال ۱۹۸۱ نیز اتهام دیگری بود که بر ایران وارد شد.

درباره اتهام نخست، به نظر می‌رسد این مسئله برگ برنده جنگ روانی علیه حکومت اسلامی ایران بود.

در واقع، این نشریه نیویورک تایمز بود که در روز دوشنبه هشتم مارس ۱۹۸۲ (۱۷ / ۱۲ / ۱۳۶۱) ، این شایعه را دامن زد و موجب شد تا بلافاصله در سطح وسیعی انتشار یابد. این نشریه ادعا می‌کند که خبر به چاپ رسیده از منابع نزدیک به سرویس‌های اطلاعاتی غربی به دست آمده است و پس از آن، هیچ توضیح دیگری نمی‌دهد و سکوت اختیار می‌کند. [۲۹] حادثه سقوط هواپیمای آرژانتینی در ۸ ژوئیه برفراز خاک شوروی بهانه دیگری برای این نوع تبلیغات بود. گفته می‌شد که این هواپیما در چارچوب تحویل وسائل نظامی به ایران از اسرائیل حرکت و در خطوط هوایی قبرس و ایران در حال پرواز بوده است. این که نیویورک تایمز چنین سند واضح و روشنی را به دست فراموشی سپرده است خود، دلیلی بر نادرست بودن این ادعا و بیانگر این مطلب است که هیچ چیز گفتنی و جدی دیگری درباره هواپیمای آرژانتینی وجود نداشته است؛ در این باره دلایل زیر را می‌توان برشمرد:

نخست این که، مطمئن‌ترین راه هوایی از قبرس به تهران، به طور مسلم از شوروی، عبور نمی‌کند. وانگهی، چنانچه این ادعا درست بود، به طور یقین، شوروی با ارائه سند محکمی (از میان لاشه هواپیما) به بهترین نحو از آن بهره‌برداری می‌کرد تا حمایت خود را از عراق برای مسلمانان شوروی توجیه کند.

دوم، با توجه به این که در هفتم ژوئن سال ۱۹۸۱، اسرائیلی‌ها مرکز اتمی عراق را در تموز اساسا برای حفظ انحصار سلاح اتمی در منطقه بمباران کردند و نیز به دلیل این که، خبر اتحاد تل آویو – تهران علیه عراق در آن زمان بدون ارائه هیچ گونه سند و مدرکی انتشار یافت، بهترین تدبیر این بود که سندی، مانند هواپیمای آرژانتینی آن هم دقیقا یک ماه پس از حمله به تموز ساخته شود. قدر مسلم آن است که این هواپیما اشکال فنی پیدا کرده و به دست روس‌ها ساقط نشده است؛ زیرا، آرژانتین از جمله کشورهایی است

که به عراق اسلحه می‌فروخت و مسکو نیز از این موضوع آگاه بود. [۳۰] .

چگونه ممکن است ایران با اخراج تمامی اسرائیلی‌ها، قطع روابط سیاسی با تل‌آویو، خراب کردن قطعی پل‌های پشت سر و اهدای ساختمان‌های سفارت اسرائیل به سازمان آزادی بخش فلسطین، از اسرائیل اسلحه خریداری

[صفحه ۵۶]

کرده باشد. به دنبال این قضیه، موضعگیری صریح و مدبرانه امام را شاهدیم:

«آنها ما را متهم می‌کنند به این که ما از اسرائیل اسلحه می‌آوریم ما اسرائیل را قابل آدم نمی‌دانیم تا این که با او یک ربطی داشته باشیم. همین صدامی که این بساط را درست کرد و یا آن طور که می‌گویند با نظر خودش برای نجات از این ننگی که به بار آورده و حمله به ایران اسلامی کرده است و به شکست رسیده است برای سرپوش [نهادن] روی این جنایت اسرائیل را وادار می‌کند که یک مرکزی را که آنها دارند، آن مرکز را بمباران کنند تا یک وسیله‌ای بشود برای این که گفته بشود اسرائیل مخالف با صدام است، مخالف با دولت بعث عراق است... یکی از مسائل مهم ما این بود که اسرائیل باید از بین برود و آنها نمی‌توانند یک همچو مطلب فاسدی را به کرسی بنشانند، لکن این برادرهایی که از خارج کشور آمده‌اند، این جا بررسی کند این مسائل را ببینند که ما با سلاح اسرائیلی می‌خواهیم جنگ کنیم یا با سلاح ایمان جنگ می‌کنیم». [۳۱] .

امام خمینی (ره) این اتهام را توطئه‌ای برای جدا کردن اعراب از ایران و ایجاد تفرقه بین مسلمانان دانستند و گفتند: «اسرائیل می‌خواهد با این کار، ایران را بد نام کند». [۳۲] .

نتیجه این بررسی‌ها آن است که اتهامات مزبور علی رغم عدد و رقم‌هایی، که رژیم بعث عراق و رسانه‌های گروهی به رهبری صهیونیسم بین‌الملل ارائه کردند، ادعایی بیش نبود و هم چنان که امام خمینی (ره) یادآور شدند، هدف از این اقدام بدنام کردن ایران در میان کشورهای عرب و جهان اسلام بود؛ بنابراین، رئیس جمهور عراق دانسته یا ندانسته نقش مورد نظر اسرائیل، یعنی تداوم حالت نه صلح و نه جنگ تا فرسایش قوای دو کشور را ایفا کرد.

عملکرد اسرائیل در قبال ایران و عراق ۱۹۸۰ – ۱۹۸۸

در مباحث پیش، به عواملی پرداخته شد که می‌توانستند موضعگیری اسرائیل را در قبال ایران و عراق موجب شوند، اما حال این پرسش‌ها مطرح می‌شوند: آیا ماهیت موضعگیری اسرائیل برای هر دو کشور یکسان بود؟ آیا رژیم صهیونیستی برای مهار و تضعیف خطر هر دو کشور از یک استراتژی بهره برد؟ و اساسا اسرائیل برای رسیدن به اهداف خود از چه راهبردهایی استفاده کرد؟

خلائی که نسبت به پاسخگویی به این پرسش‌ها در آثار و ادبیات نوشته شده در زمینه جنگ وجود دارد، این است که بیشتر تحقیقات انجام شده بر جنبه‌های سخت‌افزاری [۳۳] (جنگ افزاری) سیاست‌های اسرائیل تأکید دارند. به عبارت روشن‌تر، بیشتر به مداخلات مستقیم نظامی اسرائیل همچون تسلیحات هسته‌ای و غیر هسته‌ای، موشک‌های دوربرد و دیگر مقوله‌های ملموس از این دست توجه می‌کنند تا به قدرت نرم اسرائیل که نه تنها در منطقه خاورمیانه، بلکه در قاره افریقا، امریکای لاتین، اروپای غربی و حتی خود ایالات متحده نفوذ دارد.

در این قسمت، ضمن تعریف و تفکیک قدرت نرم از قدرت سخت به بررسی چگونگی موضعگیری این رژیم در قبال ایران و عراق خواهیم پرداخت.

می‌توان میان قدرت رفتاری (توانایی به دست آوردن نتایجی که می‌خواهیم) از یک سو و قدرت منبع (تصاحب منابعی که معمولا با

توانایی دستیابی به نتایج مطلوب همراه است) از سوی دیگر، تمایز قایل شـد. همچنین می‌توان قـدرت رفتاری را به قدرت سـخت و قـدرت نرم تقسـیم کرد. قدرت سـخت قدرت بر ساز و کارهای نظامی متکی است که با نمایش قدرت و تهدید طرف مقابل آغاز و در صورت نپذیرفتن خواسته‌هایش به برخورد فیزیکی منجر می‌شود.

از سـوی دیگر، قـدرت نرم [۳۴] به سـاز و کارهـای غیر نظـامی قـدرت معطوف است و کشور الف می‌کوشـد تـا با اسـتفاده از توان اقتصادی، تبلیغاتی و... کشور ب را به انجام دادن یا نـدادن کاری وادار کند. در واقع، این قدرت، توانایی رسـیدن به هدف از طریق جلب و اقنـاع طرف مقابـل است تـا اجبـار آن بـا توسـل به زور و جنـگ افزارهـای نظامی. قـدرت نرم دیگران را قانع می‌کنـد که از هنجارها و نهادهایی، که رفتار مورد نظر را موجب شونـد، پیروی یا با آنها موافقت کننـد. هم چنین، می‌توانـد بر جـذابیت اندیشه‌ها، فرهنگ یا توانایی طرح

[صفحه ۵۷]

دسـتور کار از رهگـذر هنجارها و نهادهایی که ارجحیت‌های دیگران را شـکل می‌دهند، اسـتوار باشد. اگر دولتی بتواند مشـروعیت قـدرت خود را به دیگران نشـان دهـد و بـا تأسـیس نهادهـای بین‌المللی دیگران را ترغیب کنـد که بـا یـک شـیوه سازگـار، منـابع و علاقه‌های خود را تعریف کنند، آن گاه شاید از گسترش منابع سنتی اقتصادی یا نظامی خود که بسیار پر هزینه‌اند، بی‌نیاز شود.

با چنین تعریفی از قدرت نرم و سخت می‌توان ماهیت عملکرد اسرائیل در برابر ایران و عراق را بهتر درک کرد.

مشاهدات و بررسـی‌ها بیانگر آن است که اسـرائیل در قبال عراق چه پیش از جنگ و چه بعد از آن، استفاده از قدرت سخت افزاری (کاربرد وسایل سـنتی و کلاسـیک نبرد) را مورد توجه خود قرار داده است، اما آیا در مقابل ایران، این دشـمن سـر سخت، نیز همین گونه عمل کرد، یعنی کوشید تا این کشور را با ادوات جنگی و مداخله مستقیم نظامی کنترل و مهار کند؟

بررسـی رونـد موضـعگیری‌های اسـرائیل چه در سال‌هـای آخر عمر رژیم پهلوی و آغـاز تظـاهرات و قیام‌هـای مردمی و انقلابـی که مطمئن شده بود این رژیم به زودی سقوط خواهد کرد و چه بعد از انقلاب، حاکی از آن است که اسرائیلی‌ها نخست کوشیدند تا با توسل به روش‌های کلاسیک (قدرت سخت) این روند را که همواره منافع کوتاه و دراز مدت آنها را در منطقه تهدید می‌کرد، مهار کنـد؛ رونـدی که نه بـا نیروی سـلاح، بلکه همـان گونه که امـام خمینی (ره) اشاره کردنـد با نیروی ایمان مرزها را در می‌نوردیـد و محرک بسیار قوی و بـاور نکردنی برای برانگیختن جنبش‌هـای بنیـادگرای اسـلامی، یعنی همـان کـابوس صـهیونیسم بین‌الملل بود. بی‌اغراق می‌توان این قدرت برخاسته از ایمان مردم ایران را نماد برجسته‌ای از همان قدرت نرم دانست.

همان طور که گفته شد رژیم اسـرائیل نخست کوشـید تا از طریق سـنتی (سـخت افزاری) با این قدرت مقابله کند، از این رو، در ۱۳ ژوئن ۱۹۷۸ (۱۳۵۶) ، زمانی که لوبرانی، سـفیر اسرائیل، [۳۵] گزارش خود را برای نخست وزیر فرسـتاد، اعلام کرد که رژیم شاه در آسـتانه فروپاشـی است. براسـاس برخی از گزارش‌هـا آریـل شـارون از مـداخله نظـامی اسـرائیل برای جلوگیری از فروپاشـی شاه حمایت کرد. به همین منظور، هرملین [۳۶] و گروه بیست نفره مقامات سفارت تا ۱۸ فوریه سال ۱۹۷۹ (۲۹ / ۱۱ / ۱۳۵۷) تهران را ترک نکردند. [۳۷] .

مطبوعـات اسـرائیل فـاش کردنـد که اسـرائیل و مقامـات دفـاعی این کشـور در اوج تظـاهرات ملت ایران برای سـرکوب تظـاهرات و راهپیمایی‌ها، اسلحه و تفنگ‌های گازی در اختیار شاه قرار داده بودند.

روزنامه هاآرتص در شماره ۲۳ اکتبر، روزنامه داوارد در شماره‌های ۱۰ و ۲۳ اکتبر، مجله نظامی یسکر اهودشیت در شماره ۳ نوامبر، مجله هحولام هزیه در شـماره ۲۲ و روزنـامه معاریو در شـماره ۱۷ دسامبر ۱۹۷۸ (۱۳۵۶) اقـدام به افشاگری کردند و نوشـتند که

چگونه بنا به تقاضای شاه، ارتش اسرائیل با مقابله در تظاهرات مردم ایران فاجعه جمعه سیاه را رقم زد.

براساس نوشته این مطبوعات، اسرائیل پس از افزایش موج تظاهرات مردم ایران پل هوایی از فرودگاه لود و فرودگاه نظامی رامات داوید از نزدیکی حیفا برای رساندن وسایل سرکوب تظاهر کنندگان بر پا کرد. هم چنین، یک گروهان کماندوی ورزیده عملیات شهری و عامل سابوتاژ را به ایران فرستاد. مقامات ایرانی برای کتمان این موضوع شایع کردند که افراد این گروهان از بلوچستان به تهران آمده‌اند. [۳۸] .

اسرائیلی‌ها به دنبال شکست در طرح‌های خود و وقوع انقلاب اسلامی در ایران دوباره تلاش‌هایشان را از سر گرفتند. در ۸ فوریه سال ۱۹۸۲ (۱۹ بهمن ماه سال ۱۳۶۰)، برنامه تلویزیونی پانورامای [۳۹] بی. بی. سی مصاحبه‌هایی را با دیوید کیمخه، [۴۰] مسئول وزارت امور خارجه، لوبرانی، سفیر پیشین و ژنرال یاکو نمرود، [۴۱] فرستاده پیشین نظامی اسرائیل در تهران، پخش کرد. طی همین مصاحبه‌ها لوبرانی کودتای نظامی علیه حکومت [امام] خمینی را پیشنهاد کرد. وی گفت: «تهران را می‌توان با تجهیزاتی در حد صد تانک و تنها با ده هزار کشته تصرف کرد». [۴۲] .

[صفحه ۵۸]

اما با بررسی و تحلیل وقایعی مانند حمله طبس و طراحی کودتای نوژه به رهبری و هدایت صهیونیسم بین‌الملل در می‌یابیم که اسرائیل عمدتا در دستیابی به اهداف خود در قبال ایران از طریق تحرکات نظامی و روش‌های سخت افزاری ناکام ماند و در نتیجه، استراتژی خود را تغییر داد، یعنی شیوه‌های سخت افزاری خود را از سیاست والا به سیاست‌های سفلی منتقل کرد و شیوه‌های ملایم و نرم قدرت را به کار گرفت. در این بخش، تأکید ما بر قدرت نرم اسرائیل، بر عملکرد لابی‌هایی یهود، نفوذ و سیطره لابی‌های یهود بر کنگره، سنا و اشخاص کلیدی کابینه‌های ایالات متحده امریکا، ابررسانه‌های خبری و دستگاه‌های تبلیغاتی، جهت دهی به افکار عمومی در سطح منطقه‌ای و جهانی، نفوذ غیر مستقیم بر مجامع بین‌المللی، قرار دادن سیاست‌های خود در دستور کار سیاست‌گذاری ایالات متحده، و موارد دیگری از این دست مبتنی است که در مجموع توانستند در طول جنگ، پیامدها و آسیب‌های به مراتب جدی‌تری را نسبت به ادوات نظامی، مداخله مستقیم نظامی و به طور کلی، جنبه‌های سنتی و سخت قدرت بر پیکره در حال رشد حکومت اسلامی ایران وارد آورند. در این جا، با محور قرار دادن این جنبه از قدرت اسرائیل ماهیت عملکرد رژیم مزبور در قبال جمهوری اسلامی ایران را بررسی می‌کنیم.

لابی‌های یهود

لابی به گروه‌هایی که فعالیت‌های خود را هنگام تصویب یا شکست یک لایحه در مجلس متوجه قانون‌گذاری می‌کنند، اطلاق می‌شود؛ بنابراین، در این محدوده فعالیت، افزون بر کوشش‌هایی که به طور مستقیم و از طریق تأثیر گذاری بر افکار عمومی به عمل می‌آوردند، جزوه‌ها، بروشورها، کتاب‌ها و مقاله‌هایی را که برای پیشبرد اهدافشان لازم باشد، منتشر می‌کنند و حتی از طریق رادیو و تلویزیون، بر افکار عمومی تأثیر می‌گذارند تا تحت فشار افکار عمومی به نتیجه مطلوب خود دست یابند. از میان لابی‌های متعدد یهود، ایپک از قدرت و سازماندهی بیشتری برخوردار است، همین قدرت و نفوذ است که به تعبیر پل فیندلی، [۴۳] افسانه نفوذ اسرائیل بر دولت ایالات متحده را پدید آورده است. [۴۴] علت اهمیت این لابی مشهور یهود در شکل دادن به سیاست خاورمیانه‌ای ایالات متحده امریکا، دخالت آن در گزینش کارکنان ریاست جمهوری، نفوذ در کاخ سفید، پنتاگون، وزارت خارجه، خزانه داری و سیا می‌باشد. استراتژی این گروه، در طول جنگ ایران و عراق مهار هر دو کشور و ایجاد موازنه قوا بود. همانطور که پیش از این

گفته شـد، این گروه هر دو کشـور را دشـمن خـود می‌دانست؛ بنـابراین، بایـد از پیشـی گرفتن هر یـک در مقابـل دیگری جلوگیری می‌کرد.

برخی از منـابع مدعی‌انـد که هر گاه موازنه به ضـرر ایران تغییر می‌کرد، اپیک مصـرا خواسـتار کمک به ایران بوده است. البته، هیچ گاه، این منفعت مشترک (سرکوب عراق) به دلیل اختلافات ایدئولوژیکی رهبران ایران و اسرائیل نتوانست جنبه هم پوشی پیدا کند. به علت همین ماهیت ایدئولوژیکی جمهوری اسـلامی ایران بود که این کشور علی رغم آن که در انزوای بین‌المللی به سـر می‌برد و با دنیای خارج – عمـدتا اروپای غربی و امریکای شـمالی – تعامل نداشت حاضـر نشد حمایت صـهیونیسم بین‌الملل را حتی به قیمت غلبه و چیرگی بر عراق، که دشمن شماره یک ایران در آن زمان بود، بپذیرد.

رسانه‌های تبلیغاتی و خبری

بـه علت عـدم تعامـل ایران بـا دنیـای خـارج و نظـام بین‌الملـل و در نـتیجه، منزوی شـدن در عرصه بین‌المللی، به ویژه پس از تسـخیر سفـارت امریکـا و مـاجرای گروگـانگیری، فرصتی پیش آمـد تـا اسـرائیل، که از تعامـل نسـبتا خوبی با اروپا و امریکا برخوردار بود، جنگ روانی شدیـدی را علیه ایران آغاز کنـد و هر گونه تبلیغاتی را که لازم می‌دانـد برای مهار تهدید ناشـی از ایران انجام دهد. از این رو، مسائلی همچون نقض حقوق بشر، تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی و پایگاه‌های هسته‌ای را که خود اسرائیل حرف اول را در ایـن زمینه‌هـا می‌زد، دسـتاویزی برای رسـیدن بـه اهـداف مـورد نظر خـود قرار داد. حـتی برخی معتقدنـد کـه رسانه‌هـای خـبری صهیونیسم در جریان حمله اسرائیل به جنوب لبنان در سال ۱۹۸۳ (۱۳۶۲) کوشیدند تا ایران را به این بهانه که حاضر نیست با پایان دادن به جنگ باعث شود تا صدام با تجهیز قوای خود حمله اسرائیل را دفع کند، دشمن اعراب و متحد

[صفحه ۵۹]

اسـرائیل جلـوه دهنـد. آنهـا علی رغم کشـتارهای متعـددی که در اراضـی اشـغالی مرتکب شـده بودنـد، توانسـتند ایران را به عنـوان تروریست معرفی و این اجمـاع را در میـان همگـان ایجـاد کننـد و در نهایت، این کشور را در زمره کشورهای حامی تروریست قرار دهنـد. حال این پرسـش مطرح است که آنها با چه سـندی چنین اتهامی را به ایران وارد می‌کردنـد؟ در واقع، در پاسخ بدین پرسـش می‌تـوان گفت آنهـا، نه بر پـایه سـند، بلکه به بهـانه حمـایت ایران از مردمـانی که خواسـتار اسـتقلال و آزادی سـرزمینشان از سـلطه صهیونیسم بودند، جمهوری اسلامی را به انجام این اقدام متهم می‌کردند.

تلاش برای منزوی کردن ایران از مهم‌ترین نتایج این جهت دهی‌ها به افکار عمومی چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح بین‌المللی بود؛ با انزوایی که می‌توانست فرصت ارزشـمندی برای رژیم بعث عراق باشد تا با استفاده از آن بتواند برای رسیدن به هدف خود به هر اقـدامی متوسـل شود. این در حـالی است که ایران از حق دریـافت تجهیزات و ادوات جنگی و لوازم یـدکی مورد نیازش محروم بود، چرا که می‌توان گفت به علت سلطه آمریکا بر ایران طی دهه‌های گذشته، تمام ساختار نظامی این کشور به نوعی امریکایی بود و از آنجا که دولت واشـنگتن به دنبال ماجرای گروگانگیری و قطع رابطه دیپلماتیک و سیاسـی خود با ایران حاضـر نشـد هیچ گونه تسلیحاتی را در اختیار ایران قرار دهد؛ [۴۵] بنابراین، نوعی تحریم علیه ایران را شاهدیم.

مهـارت رژیـم اسـرائیل در این که دغـدغه‌هایش را دغـدغه‌های امریکـا قرار داده و سـیاست‌هایش را نیز در دسـتور کـار این کشـور می‌گنجانـد، از دید کارشـناسان از مظاهر قدرت نرم رژیم صـهیونیستی محسوب می‌شود. از این رو، فهم هر چه بهتر موضع اسـرائیل مستلزم فهم موضع امریکاست.

نتیجه گیری

جنگ ایران و عراق چه در منطقه خاورمیانه و چه فراتر از خاورمیانه، فرصت‌ها و تهدیداتی را برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای پدید می‌آورد. از این رو، بسیاری از کشورها، که این جنگ منافع آنها را تهدید یا تأمین می‌کرد، در قبال آن، موضعگیری کردند. تمرکز این تحقیق بر راهبرد رژیم اسرائیل در جنگ تحمیلی بود. همان طور که در بخش‌های گذشته به چرایی موضعگیری اسرائیل اشاره کردیم از دست دادن متحدی قوی (شاه ایران) در برابر اعراب، تغییر وضع موجود منطقه به ضرر اسرائیل، تهدید تمامیت ارضی این رژیم و موارد دیگر ضرورت مداخله آن را در جنگ تحمیلی ایجاب کرد، اما نقطه تمرکز این تحقیق بر ماهیت راهبرد این رژیم در مقابل دو دشمن خود بود. می‌توان ادعا کرد که این تفاوت راهبرد اسرائیل در برابر این کشورها از تفاوت بسترهای اجتماعی - سیاسی دو کشور ناشی می‌شد.

با توجه به نهادینه بودن رژیم عراق، مداخله مستقیم

[صفحه ۶۰]

نظامی و جنگ سخت افزاری، تنها آلترناتیو و گزاره موجود پیش روی اسرائیل در برابر این کشور بود، در حالی که بستر سیاسی - اجتماعی ایران گزاره دیگری را طلب می‌کرد. اسرائیلی‌ها به صورت تجربی (طی همکاری با رژیم شاه برای سرکوبی انقلابیون ایران در سال ۱۹۷۸، ماجرای طبس و کودتای نوژه) متوجه این تفاوت شده بودند، چرا که با نیرویی رو به رو بودند که بر عقاید و آرمانش متکی بود، نه مسلسل و توپ و تانک؛ بنابراین، شاهد تغییر راهبرد اسرائیل در برابر جمهوری اسلامی ایران از قدرت سخت افزاری به سوی کاربرد قدرت نرم با تکیه بر رسانه‌های گروهی، دستگاه‌های تبلیغاتی و لابی‌ها هستیم.

اما هدف هر دو راهبرد اسرائیل چه از طریق کاربرد قدرت سخت در برابر عراق و چه به کارگیری قدرت نرم در قبال ایران فرسایش و تضعیف قدرت نظامی این دو کشور به عنوان دو دشمن عمده خود در منطقه بود.

پاورقی

[۱] سیاست سفلی (low politics) : مسائل اجتماعی - اقتصادی که نقشی در بقای دولت ندارند.

[۲] سیاست والا (high politics) : مسائل جنگ و صلح که به بقای یک دولت مربوط است.

[۳] Context.

[۴] دوره‌ای که اوضاع داخلی ایران بر اثر انقلاب آشفته بود و هنوز ثبات نیافته و از طرفی به خاطر مسئله گروگان‌ها و قطع رابطه با امریکا و به دنبال آن قطع شدن کمک‌های بی‌بدیل این کشور به ایران و از سوی دیگر حمایت از مجاهدان افغان که مخالفت شوروی را برانگیخت، سبب شد ایران در یک انزوای بین‌المللی قرار گیرد.

[۵] مهدی رضوی؛ نیرنگ‌سازی صهیونیسم خطوط کلی توطئه انزوای جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: دفتر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۸۳.

[۶] Beit . Hallahmi ، Benjamin . The Israel connection ، whom Israel Arms and why . Landon I.B. Tovris . ۱۹۸۷ pp ۱۰ . ۱۲.

[۷] مأمون کیوان؛ الیهود فی ایران؛ بیروت: بیسان للنشر و التوزیع و الاعلام، أیار ۲۰۰۰، صص ۱۱۵ - ۱۲۵.

[۸] تحقیقی از مؤسسه الارض ویژه مطالعات فلسطین؛ استراتژی صهیونیسم در منطقه عربی و کشورهای هم جوار آن؛ تهران: انتشارات بین‌الملل اسلامی، بی تا، صص ۳۰۱ – ۳۰۵.

[۹] همان؛ ص ۲۱۱.

[۱۰] فلسطین از دیدگاه امام خمینی؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۴، ص ۲۰۹.

[۱۱] محمدرضا دهشیری؛ درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی؛ تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰ صص، ۲۷۳ – ۲۷۷.

[۱۲] همان؛ صص ۲۱۲ – ۲۱۶.

[۱۳] تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان.

[۱۴] همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

[۱۵] محمد باقر سلیمانی؛ بازیگران روند صلح خاورمیانه؛ تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹، ص ۲۰۳.

[۱۶] همان؛ ص ۲۳۵.

[۱۷] همان؛ ص ۲۴۴.

[۱۸] WWW.israel.org / mfa / Zionism.html.

[۱۹] استراتژی صهیونیسم؛ پیشین؛ ص ۳۰۳.

[۲۰] هویت بیل و کوبیک؛ «چه اتفاقاتی روی خواهد داد اگر یک نفر حقیقتا در جنگ پیروز شود» مجله نیوزویک؛ ۹ / ۲ / ۱۹۸۷.

[۲۱] همان.

[۲۲] مارک بسو؛ «جنگ خلیج [فارس]: حتی شامیرهم عراق را انتخاب می کند». نشریه پانوراما؛ ۱۸ / ۶ / ۱۹۸۴.

[۲۳] غیر مستقیم به این علت که بیشتر از جانب امریکا یا جو سازی‌های ابررسانه‌هایی که صهیونیست‌ها در اختیار داشتند، انجام می گرفت.

[۲۴] عبدالمجید تراب زمزمی؛ جنگ ایران و عراق؛ ترجمه مژگان نژند؛ تهران: سفیر، ۱۳۶۸؛ ص ۱۸۴.

[۲۵] همان؛ ص ۳۱۱.

[۲۶] Military history: Iran – Iraq war (۱۹۸۰.۱۹۸۸) www.cfcsc.dnd.ca / links / milh: st / irir.html.

[۲۷] عزت سامی؛ عزت. «الایرانیه – اشهاد الحرب العراقیه». الاهرام، ۲۰ / ۸ / ۱۹۹۷.

[۲۸] op.cit.

[۲۹] تراب زمزمی؛ پیشین؛ ص ۳۰۶.

[۳۰] همان.

[۳۱] فلسطین از دیدگاه امام خمینی؛ پیشین؛ صص ۱۰۸ – ۱۰۹.

[۳۲] همان؛ ص ۱۷۰.

[۳۳] Hard Politics.

[۳۴] Soft power.

[۳۵] Lubrani.

[۳۶] Hermelin.

[۳۷] ۱۲،۱۳ Beit.op.cit.pp.
[۳۸] ماهنامه رگبار امروز؛ ۱ / ۹ / ۱۳۵۸، شماره ۶.
[۳۹] Panorama.
[۴۰] David Kimche.
[۴۱] Yaakov Nimrod.
[۴۲] ۱۳،Beit.op.cit.p.
[۴۳] Paul Findley.
[۴۴] پل فیندلی؛ فریب‌های عمدی، حقایقی درباره روابط امریکا و اسرائیل؛ ترجمه محمد حسین آهویی؛ تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸، ص ۱۰۰.
[۴۵] هر چند که رسوایی ایران گیت اعتبار امریکا را در این خصوص چه در درون جامعه امریکا و چه در خارج از امریکا زیر سؤال برد.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال،

خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹